

سنگ مزن بر طرف کارگه شیشه‌گری
زخم مزن بر جگر خسته خسته‌جگری
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۴۵۸

غزل شماره ۲۴۵۸ از دیوان شمس مولانا:
چشم اندازی نو، دیدی ناشی از فضاگشایی و تسلیم در برابر اتفاق این لحظه که با حضور ناظر و با درد هشیارانه ناشی از پرهیز و صبر، مرکز هم‌هویت شده خود را شناسایی و آگاهانه مورد زیان و هدف تیر زندگی قرار می‌دهد.

قدم بر نردبانی نه، دو چشم اندر عیانی نه
بدن را در زیانی نه، که تا جان را بیفزایی
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۵۱۱

قدم بر نردبان نهادن و دو چشم را به روی زندگی باز کردن، تغییر دید مقاومت و قضاوت بطور آگاهانه است.
چشم دل به سوی زندگی باز کردن، خریدن درد هشیارانه به قیمت جان ذهنی، به کمک و راهنمایی صاحب‌دلان و بزرگان است.
نظارت بر ذهن، شناسایی سرسختی و مقاومت چون سنگ آن و زیر بار رفتن آن است.
نظارت بر ذهن، ریو یا مکر و حيله آن را شناسایی کردن است.
میل به تغییر دیگران و تمرکز روی دیگران، مکر و حيله ذهن و ناشی از پندار کمال و انکار رحمت زندگی است.

ور تو ریو خویشتن را منکری
از ترازو و آینه، کی جان بری؟
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۳۵۸۳

نظارت بر ذهن، ترازو و آینه بودن زندگی و عدل و رحمت او را گواهی و شاهد است.
نظارت بر ذهن، جبر زندگی در تغییر و تبدیل دید مقاومت و قضاوت به دید عدم را گواهی و شاهد است. ترازو و آینه زندگی با اسباب و علل ذهنی، و با اقتضا و ایجاد ذهن کار نمی‌کند.
ترازو و آینه زندگی زیر تسلط ذهن و اسباب و علل، و بنده همانندگی‌ها نیست.
این ترازو و آینه گواه و شاهد نیاز به شناسایی هر چه بیشتر و انداختن بیشتر به واسطه صبر و شکر و پرهیز است.
این ترازو و آینه گواه و شاهد نیاز به یاری و کمک بزرگان و ناامید نشدن در این راه است.

گر تو سنگ صخره و مرمر شوی
چون به صاحب‌دل رسی، گوهر شوی
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۷۲۲

همنشین اهل معنی باش تا
هم عطا یابی و، هم باشی فتی
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۷۱۱

جمله دانایان همین گفته، همین
هست دانا رحمه للعالمین
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۷۱۷

-مریم، اورنج کانتی